



وای به حال آن مردم که سرمایه شفاخانه اش را دوی تاریخ گذشته تشکیل میدهد.

-بجز «چشم انداز» مسولیت دیگر موضوعات به نویسندگان آن برمیگردد.
-ماهنامه از مقالات شما استقبال میکند.
-ماهنامه درویرایش مطالب دست باز دارد.
-علم و عمل از تمام اندیشه های هدفمند دعوت به همکاری مینماید.

علمی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی

سال دوم * شماره ۱۷ * سنبله ۱۳۹۳ هجری شمسی / ذی القعدة ۱۴۳۵ هجری قمری / سپتمبر ۲۰۱۴ میلادی

چشم انداز:

علم و عمل انعکاس دهنده واقعیت های جامعه :

با آنکه پروسه انتخابات ۱۳۹۳ در دوره اول نتوانست کرسی ریاست جمهوری را به نفع یکی از کاندیدان رقم بزند و بعد از مدت طولانی وارد دوره دوم رقابت بین دو کاندید پیش تاز گردید.

دردور دوم این رقابت از مسیر خود خارج شد و به یکی از جنجالی ترین انتخابات جهان مسمی گردید که این برای کشوری چون افغانستان که دارای یک اقتصاد ناپایدار و متکی به کمک های جامعه جهانی است سخت غیر قابل جبران می باشد و ثبات سیاسی، اقتصادی و امنیتی را به کلی برهم زده است و حتی در این اواخر بصورت خطرناکی درآمد است و به هر اندازه که این پروسه طولانی میشد زیان بیشتری به ملت و کشوری زد.

چرخه اقتصادی کشور بصورت کامل فلج گردیده است و بسیاری از سرمایه گذاران در حالت تردید و ساکن باقی مانده اند و میلیارد ها دالر سرمایه از کشور خارج گردیده است و صدمات این را ملت محروم به وضوح در خود نشان می دهد.

بهر حال مردم افغانستان بار عظیم این مشکلات را بدوش می کشد و چشم به امید فردای نامجهول این انتخابات دوخته و به این آرزو دل بسته است که شاید با زعامت بعدی این کشور وضعیت افغانستان روبه بهبودی و پیشرفت رود و امنیت تامین گردد، صلح و ثبات حکم فرما شود و به وضعیت اسف بار کنونی نقطه پایانی گذاشته شود.

ولی بعید به نظر می رسد که انتخابات که در این برهه حساس که رسیده بتواند یک حکومت قانونی را در کشور بوجود آورد لیکن در افغانستان انتخابات در هر موردی که باشد چه در ریاست جمهوری، ولسی جرگه و یا شوراهای ولایتی از طرف حلقات بیرونی و داخلی سازمان دهی می گردد و دارای استقلالیت نمی باشد و پروسه انتخابات را دست کاری نموده و به نفع مشخصی راهنمایی می کنند.

دیدگاه ماهنامه دانشجوی علم و عمل در رابطه به موضوع انتخابات در سطح ولسی جرگه و شوراهای ولایتی بصورت کامل این است که به هیچ صورت این پروسه شفاف نبوده و دارای مشروعیت نیست چرا رای مردم و انتخاب مردم در نظر گرفته نمی شود و با مردم و ملت بازی می کنند چرا که در بسیاری از موارد مردم از این افراد که فقط قدرت مداری را میراث خود می دانند بیزارند اما اینها مدعی آرای بلند می باشد چرا که تقلب را پیشه خود قرار داده اند.

ولسوالی میراثی

سیدعلی رضاسادات



می خواهد تا حد اقل کمی از وضعیت مردم با خبر باشد ما نمی خواهیم از کسی حمایت نمایم اگر ولسوال بعدی بخواهد چنین رویی را تعقیب نماید باز هم ما مردم ما خواهد اعتراض نمود ولی آقای رضائی نتوانست به وظایف اش که در قبال مردم داشت عمل نماید و یا به تعهدات خود باقی بماند. شاید آقای رضائی دارای حامیان پر قدرت باشد ولی مردم مسئولی می خواهد که جواب گوی نیازمندی های شان باشد و نه فقط بخواهد منافع چندی را تامین نماید این خودجفائیسست در حق این مردم و ملت. بگذارید کسانی دیگر در مرحله آزمون قرار بگیرد شاید شخصی در بین شان از این آزمون موفق برآمد تا بتواند به حیث یک مسئول دلسوز حرف های مردم اش را بشنود و درد های مردم اش را احساس نماید این وظیفه یک مسولیت است نه ابزاری برای پول جمع کردن. تا حال که نشان می دهد فقط منافع شخصی ارجعیت داشته است.

ما دیگر نمی گذاریم حق مردم را تلف نمایند و هر کسی این را میراث شخصی خویش قرار دهند مردم مسئول پاسخ می خواهد و این حق مدنی ماست هر کسی که باشد فرق نمی کند باید به مسولیت های که دارند عمل نمایند.

امان خدا رها نمود و این خود نوعی از معامله گری را به مسؤل شفاخانه نشان می دهد، در این مدت در کدام اداره از فساد اداری جلوگیری شده است و از کدام شخص متخلف باز پرس به عمل آمده است؟ در مدت چندین سرت مسلحانه صورت گرفت و کدام تحرک نظامی بر علیه ایشان انجام شد تا دیگر نطفه ای بی بند باری خشکانده شود.

پروسه توزیع گندم به کدام رسوائی رسید و چه بهره برداری ها که نشد و در آخر حتی طرح توزیع سهمیه گندم بین طرفداران و کلا مطرح شد و جناب ولسوال در ختم می گویند «یکی از دستاورد های مثبتم توزیع موفقیت آمیز گندم بوده است»، زمانی که دواهای تاریخ گذشته در شفاخانه توسط ارگان امنیت ملی کشف و شناسائی می شود چرا اقدامی جدی صورت نمی گیرد تا پی گیری شود این ها خود از بی کفایتی و بی مسولیتی ایشان سخن می گویند و این را بیان می دارد که سخن با عمل زمین تا آسمان فرق دارد و به فکر منافع شخصی خود می باشد. زمانیکه مکتوب تبدیلی اش به ولسوالی دیگری می آید به سرعت به مرکز می رود تا دوباره خود را مقرر نماید اما کدام وقت برای کارهای عام المنفعه به این اندازه سرعت عمل به خرج داده است آیا این ولسوالی میراثی می باشد که با تمامی ناکارایی باید بدون قید و شرط ولسوال باشد این مردم مسئول

ولسوالی لعل و سر جنگل یکی از ولسوالی های می باشد که هر شخصی که در یکی ادارات آن مقرر گردید مخصوصا کرسی ولسوالی آن را میراث به ارث رسیده خویش قرار می دهد و مدعی آن می شود که این مقرری جاودانه می باشد و به شخص وی از پدرش که ملک زرخید بوده است به ارث رسیده است و دیگر نباید کسی حال و هوای این را نماید.

از آغاز حکومت در افغانستان اشخاص و افراد متعددی به حیث ولسوال تقرر یافتن و رفتن اما در حدود دو سال کم و بیشی اسماعیل رضائی به حیث ولسوال لعل و سر جنگل تقرر گردید و در روز اول تقرر خویش از حاکمیت قانون و مقررات و تغییرات مثبت در وسط ولسوالی به زبان راند که از جمله نظارت دقیق بر اوضاع معارف، شفاخانه، ادارات که وظایف شان را به نحوه احسن انجام نمی دهند، مبارزه با فساد اداری، جلوگیری از فعالیت افراد مسلح و ده ها مشکلات دیگر... اما بعد از چندی این سخنان به باد فراموشی رفت. خود با رفتن رخصتی های طولانی به کابل و یا خارج از کشور اصل قانون مندی اداری را زیر پا گذاشت، در زمان ولسوالی وی اختلاس شرم آوری در رابطه به مواد W.F.P اتفاق افتاد اگر نظارت بر عمل کرد معارف وجود داشت پس چرا این اتفاق رخ داد، با اینکه در قسمت شفاخانه مشکلات زیادی موجود بود با تقرر خانمش در شفاخانه این وضعیت را به

از کیفیت خدمات شفاخانه تا گرفتار امر صحت عامه و سرپرست شفاخانه

کرده دوچار چنین معضلات میگردد که در یک جامعه دارای چنین افراد یک حادثه خیلی ساده اتفاق می افتد و کار به درازا می کشد تا آنجا که دست ها نرم و ملایم ضامن مردم دروازه حارنوالی را باز نموده و از آنجا عزم سفر به ولایت می نماید و ما این مژده را بشما خواهیم داد که تشویش نداشته باشید شاید این افراد در ظرف یک هفته از تعقیب خلاص شده دوباره ناظر سیمای مبارک شان خواهیم بود.

قربانعلی الفت

وقول دوم مقدار هفتاد و یک کارتن دوا تاریخ گذشته سرپرست شفاخانه توسط امنیت ملی دستگیر به حارنوالی تسلیم داده میشود و حارنوالی نیز تا آنجا که صلاحیت داشت تحقیقات نموده و بعد از اتمام تحقیقات خویش امر صحت عامه و سرپرست شفاخانه را دستگیر و عازم چنچران می سازد گر چند تلاش زیاد نمودیم تا درین مورد نظر امر صحت را نیز با خود داشته باشیم اما بعد از مراجعه مکرر ایشان از دادند معلومات برای ما ابا ورزید در دانست خود این حادثه واقعا یک حادثه غم انگیز است زیرا این ولسوالی با داشتن شورای صحتی فعال مرکب از افراد مسلکی و تحصیل

موسسه A.C.T.D مدت دو سال است که مسولیت ارایه خدمات بهداشتی را بعد از موسسه C.H.A درین ولسوالی به عهده دارند که در مدت دو سال خدمات قابل قناعت برای مردم نداشته و مردم همواره شکایت از ارایه خدمات مطابق نورم صحت عامه ازین موسسه داشته تا آنجا که مسولین این شفاخانه از مدیریت سالم اراکین دولتی استفاده نموده دست به توزیع دواها تاریخ گذشته می زند که خوشبختانه با تلاش ادارات کشفی این ولسوالی این روند مخطط گشته آن هم بدوقول: قول اول به مقدار یک صد و بیست کارتن دواهای تاریخ گذشته

محافظت از پروژه ها دولتی وظیفه کیست؟

قربانعلی الفت

روز این ولسوال از مردم لعل و سر جنگل اندکی آزرده باشند و نخواهد از نیم کیلو متری ولسوالی اش از خرابی جاده ها باز دید بعمل آورد ویا اینکه تغییر ریاست جمهوری از آقای کرزی به شخص دیگر را او متاثر ساخته باشند این ویرانی در حال صورت میگردند که یک مقدار روغن و گندم برای ترمیم سرک های فرعی ولسوالی سرازیر گشته تا این سرک ها را داغگری نماید اما سرک اصلی که شرق را به غرب وصل می نماید آغوش را برای استقبال از آب های چمن زار ها باز نموده از طریق گودی سینه اش تبسم برآب زلال و صاف مرکز ولسوالی می نماید. حال سوال اینجاست که کی مسئولیت مراقبت پروژه ها ظاهراً کار شده را به عهده دارند؟ والی، ریس فواید عامه، ارباب سرور خان مدیریت شاروالی چون این سرک در قلمرو نقشه شهری قرار دارند ویا مقام محترم ولسوالی وقوماندانی محترم امنیه؟؟ تاکی از موقف دولتی بحیث نیروی عسری استفاده میشود ویا اینکه مردم لعل و سر جنگل لیاقت سرک آباد و بهتر اندارند یا ویرانه از طرف خداوند برای مردم این ولسوالی هدیه گردیده اند، درین چند سطر خواستم از مسیر نیم کیلو متری ولسوالی به شما لحظه ای چند قصه نمایم در حال حاضر از منطقه کرمان، قزل، گرماب اگر از ویرانی

درسال گذشته ریاست فواید عامه غور یک مقدار بودجه را غرض ترمیم سرک ولسوالی لعل و سر جنگل از دهن چکه الی پل دهن نواغه به این ولسوالی تادیه نموده و کار این مسیر از تیرما سال گذشته آغاز شد و در مدت یک ماه این سرک با فاصله تعیین شده ترمیم گردید اما این سرک ترمیم شده در مدت شش ماه یا کمتر از آن کاملاً قیافه دیگر بخود گرفته است با آنکه جرها غرض عبور آب حفر گردیده ولی باز هم آب در بالای این جاده در نقطه بالا تر از قریه کجنو رقص می نماید سرعت رقص آب به حدی شدید است که موفق به تشکیل گودها در روی سرک گردیده و شاید ولسوال هم ازین مسیر عبور سیاری برای شرکت در مراسم فاتحه ویا مراسم خوشی دوستان خود داشته باشند اما با خون سردی ازین منطقه گذر می نماید و بودجه دولت در خوبترین پروژه بمصرف رسیده و از آن مسولانه محافظت می نماید ویا شاید درین مدت مصروفیت کاری اش زیاد باشند بدلیل اینکه! توزیع دواها تاریخ گذشته از جانب شفاخانه برای مردم و گرفتاری آنان توسط امنیت ملی و معرفی آنان به مراجع عدلی و قضایی شاید ولسوال را نگران ساخته باشد ویا شاید با آمدن حاج احمد حسین «دانشیار» به عوض این ولسوال در مدت چند

پیام ماهنامه دانشجویی علم و عمل

ماهنامه دانشجویی علم و عمل در چهارچوب نهاد دانشجویی علم و عمل به حیث یک نهاد مدنی در راستای فعالیتهای اجتماعی، مردمی و مبارزه با بی عدالتی های حاکم بر مردم و انعکاس دهنده دردها و مشکلات فرا روی مردمش در جامعه می باشد.

اما بعد از سپری کردن دوره انتخابات شوراهای ولایتی و ریاست جمهوری به مدت کوتاهی نظریه بعضی از مشکلات و کارشکنی های تعدادی از افراد و اشخاص مغرض و وضعیت نا بسامان کشور که از موجودیت حرکت های مدنی درهراس است و نمی خواهد این نهاد و ماهنامه به فعالیتهای خویش ادامه دهد و به بهانه های مختلف سنگ در راه می اندازد توقف داشته که با تلاش وسیعی از مجرای قانونی این مشکلات را برطرف کرده اند و به راه و آرمان خویش ادامه می دهد .

چراکه هدف ما خواست ملت ماست و ما به هیچ نحوی از خواست ملت نمی گذریم حتی که به قیمت جان ما باشد و کسانی که می خواهند به اشکال مختلف جلوی این حرکت را بگیرند سخت در اشتباه اند و به نظر ما ملت شریف لعل و سر جنگل اینها خائنین مردم و ملت است و می خواهند که مردم را از واقعیت ها دورنگه دارند و بدون هیچ مانعی به عملکردهای سودجویانه و منفعت طلبی های خود ادامه داده تا مثل سال های قبل تمامی ناکارایی شان را مخفی ویا توجیه نماید. درست است که در بسیاری از برنامه های شوم و پلیدشان تا حدی موفق می شوند ولی نمی توانند این جریان فکری و مردمی را سرکوب ویا خاموش نمایند.

مردم شریف لعل و سر جنگل بعد از گذشت انتخابات یک عده از حلقهات در پی برهم زدن و متوقف کردن این رسانه آزاد و بدون وابستگی برآمدن و از هرگونه دسیسه ای دریغ نکردن اما به فضل خدا این برنامه ها با شکست و رسوای خودشان به پایان رسید آنها می خواستند که به شکلی این حرکت را جلوگیری ویا تحت کنترل خود در آورند و از گفتن حقایق برای مردم و دست رسی مردم به این رسانه که در خدمت مردم است جلوگیری نمایند.

یک بار دیگر به این حلقهات و مزدوران شان تذکرمی دهیم که ماهنامه دانشجویی علم و عمل متعلق به یک تعداد محدود و خاص نیست و این را ثابت کرده است و به تعهد خویش در برابر مبارزه با فساد، اختلاس، بی عدالتی، و قانون شکنی پایدار است، در هر سطح و هر کسی که باشد ما به مردم خود تکیه داریم و از هیچ کسی درهراس نیستیم و برای مقابله با هر نوع دسیسه و شایعه پراکنی آمادگی داریم.

در پایان: تسلیت و همدردی خویش را با بازماندگان حادثه دلخراش و واقعه جان سوز ماه رمضان عرض می نمایم و از خداوند رحمان می خواهیم که با مولایشان شهید محراب حضرت علی (ع) محشور گردانند.



سواد:

از آن روزی که خداوند انسان را خلق نمود انسان راه آموختن و درک اشیائی ما حول اش دستور داده است و در حقیقت امر برای انسان دانستن را سرمشق قرار داده است و انسان توسط همین دانستن بوده است که به این ترقی و پیشرفت نائل گردیده از زمانی که انسان بصورت برهنه و عریان بدون مسکن و غذا در بیابان ها و جنگل ها بدون درک از اشیائی ماحول خویش می زیست الی امروز که حتی پا فراتر از کره خاکی زمین گذاشته است و به فکر زندگی کردن در سیارات دیگر ویا بالاتر از آن دست یابی به کیهکشان های دیگر افتاده

است همه و همه از نعمت سواد و علم است، تمامی ادیان الهی پیروان خویش را به آموختن علم و سواد تشویق و ترغیب نموده اند حتی بعثت پیامبر اسلام (ص) با کلمه (اقرأ) آغاز شده است و این خود به وضوح نشان می دهد که در اسلام به چه اندازه به اهمیت علم تاکید شده است و حتی آموختن علم بر زن و مرد یک عمل واجب دانسته شده است و به تمامی مسلمانان ابلاغ می نماید که علم را بیاموز اگر در چین باشد که متاسفانه برعکس عمل می شود . در زمانی که مسلمانان از فیض علم بهره می بردند جوامع غربی و اروپائی درگیر خرافات و غارت و چپاول بودن و از علم و سواد بصورت کامل بی بهره بودن و زمانی که دانشمندان اسلامی دست به مسائل علمی می زدند برای آنها خارج از باور ذهنی می بود تمامی کتابخانه های بزرگ دنیا در بخش ها ورشته های مختلف در جوامع اسلامی قرار داشته است، برای آموختن علوم و فنون مدرن آنها نیازمند سفر به کشورهای اسلامی می بود، اما متاسفانه ما با این همه تاکید و ارشادات دینی نتوانستیم این راه را به پیش ببریم و این ارزش های علمی خویش را حفظ و رشد دهیم و جوامع غربی

و یا دیدنش فکر می کند که پای سحر و جادو در دخیل است و به نام (شیطانک) نام می برند.

درست است که تمامی شیرازه های علم و دانش در افغانستان با داخل شدن در جنگ در این کشور از هم پاشید و چند نسل را از نعمت سواد بی بهره گردانید و بصورت کامل یاغی و جاهل به بار آورد، اما با روی کار آمدن دولت حامد کرزی و حمایت مالی جامعه جهانی آن کاری که باید در راستای سواد می شد نشد اکثر بودجه در بخش معارف یا حیف و میل گردید یا در برنامه های به مصرف رسید که هیچ گونه موثریتی نداشته است و فقط راه را برای اختلاس و سوء استفاده فراهم نموده است .

هر حکومتی که در ارگ ریاست جمهوری تکیه می زند تا زمانی که زیر بناهای معارف را بصورت دقیق نتواند بسازد نه در برنامه های سیاسی خود موفق گردیده است نه می تواند که مشکل افراطیت و نا امنی را حل نماید.

سیدعلی رضاسادات

این سرمایه بی پایان را از ما ربودن و برعکس عمل های غیر انسانی و غیر دینی شان را مانند خرافات، تشنج، افراطیت بی سوادی شان را به ما انتقال دادن که امروز ما شاهد بدبختی ، فقر و تبااهی هستیم.

افغانستان یکی از این کشورهای اسلامی بوده که مهد تمدن، فرهنگ و کانون علم بوده است و در این سرزمین مانند ابوریحان بیرونی، ابوعلی سینا، فارابی و هزاران ادیب ، شاعر، ریاضی دان، مورخ، منجم و عالم در رشته های مختلف می زیسته اما امروز در هر کجای از جهان که بحثی از بی سوادی می شود از افغانستان نام می برند و سمبول جهالت و بی سوادی در جهان است .

افغانستان و جاپان در یک سال از زیر یوغ استعمار انگلیس بیرون آمدن و استقلال خویش را گرفتن اما جاپان در راستای تکنالوژی و پیشرفت دارای شهرت جهانی می باشد و با زیچچه اطفال شان کامپیوتر می باشد ویا کامپیوتر بازی می کنند ولی در افغانستان هنوز هم که نه تنها اکثر مقامات دولتی و بلند پایه های دولت روشن کردن کامپیوتر را یاد ندارند سواد کافی برای خواندن ، نوشتن و صحبت کردن را ندارند هنوز هم تعدادی زیادی در این کشور کامپیوتر را ندیده است

درد دل

یارب از اعماق دل پرسم سواالی دیگری
کی بیاید یوسف ما، از دیار دیگری
گرچه منفور ابد شد سرکشان شصت و یک
باز اندر شهر ما شد انفجاری دیگری
شد اساس کاخ فرعون رنگ از خون غریبان
آید او آرد بدنیا بر قراری دیگری
خاطر هجران یعقوب ای فلک دیگر بس است
تا بکی ماند بدنیا انتظاری دیگری
گرناشد رسم هجر و مشکلات دیگری
قدر آن گل را کجا داند نگاری دیگری
گرچه شایق بهاریم ای عزیزان نکته دان
گر نیاید یک خزان ناید بهاری دیگری
مزد هر فرهاد را کوهش بداند تیشه اش
نیتوان سازد قضاوت کوهسار دیگری
وای دیدم صوفی عابد را رنگ میخرد
عاشقان را نیست خدایا! اعتباری دیگری
جز فروش رنگ و تبعیض و یا هم قین قال
نیست بر مردم نگار! کار و بار دیگری
بالکد دیدم حماری گفت بر تقدیر ها
کرد سلام رنگ حماران بر حماری دیگری
دوش پرسیدم زبلا هست تاریک تر ز تو
گفت تاریک تر زمن هست شام تاری دیگری
همچنان پرسیدم از شهزاده کین خون از کیست
گفت از من نیست، هست از طفل زاری دیگری
گفتمش حرمه ریخت یا طالب میدان شهر؟
گفت از آن ظلم تر بود خونخواری دیگری
گفتمش با تیرزد یا تیغ یا با تار گفت!
حلقه آویزش نمود اما به تاری دیگری
گفتمش آن حلقه اش زنجیر بود یا ریمان
گفت نرمش بود ولی از یک تباری دیگری
ای دلم قانون جمع بردگان اینست دان
این و فرهنگ فروختن خود نثاری دیگری
ای خدا یا میهنم اول ز آخر گردید
یاری ما کن نگردیم شرمساری دیگری
باز در آخر نوای الغیث میکشیم
اوبیاید، اوآید برقراری دیگری

محمد فرید خاموش

متعلم صنف دوازدهم لیسه مسلکی زراعت

افغانستان در آتش تبعیض نژادی می سوزد

سیدعلی رضاسادات

نظامی باشد تا اینها را سرکوب نماید تا با خیال
راحت به بهره برداری های سیاسی، اقتصادی،
تجارتی و طبیعی خود پردازند.
آیا سردمداران و دولت مردان افغانستان در این
زمینه کاری نمودند؟ نه خیر بلکه اینها برای حل
این مشکل مرهمی نگذاشتن، به پیروی از این
سیاست شیطانی برای به قدرت رسیدن خود
استفاده نمودند و این تبعیضات را به شاخه های
کوچکتری طراحی نمودند و در سطح قریه جات
مطرح نمودند و استفاده های خویش را بردن اما
برای حل واز بین بردن این مشکل هیچ ارگان
و نهادی اقدام نمی کنند حتی نهاد های دفاع
از حقوق بشر و نهادهای مدنی هم خاموش هستند
و بصورت یک تجلیل نمادین برگزار می شود و با
بایک مقاله خوانی این عمل را تقیح می نماید.
و این مسئولیت جوانان هر قوم و ملیت افغانستان
است که ریشه این تخم شوم و خانمان سوز را
از میان این ملت برکنند و در زیر سایه
وحدت ملی با هم افغانستان را به سوی رشد
و ترقی سوق دهند.

می شود که در این میان اقوام پشتون، تاجک،
ازبک و اقلیت های دیگری در این کتگوری متعلق
به مذهب اهل سنت قرار می گیرد و قوم هزاره
متعلق به مذهب تشیع، که در بین شان اختلاف
انداختن از هم فاصله دادند تا در بین شان کشیده
گی وجود داشته باشد.
در این میان در مذهب اهل سنت سه قوم
بزرگ و چندین قوم کوچک شامل اند در این جا
مسئله قومی و زبانی را مطرح نمودند که پشتون
زبان و فارسی زبان نمودن که بر سر این مورد
بر سر یکدیگر اظهار فخر می نمودن که هر کدام
خود را نژاد برتر می دانستند که تا جای که در پی
انقراض نسل بر آمدن، در مورد سوم مسائل مانند
سمت را وارد قضیه نمودن، کابلی بر شمالی،
شمالی بر جنوبی می بالید جنوبی بر هراتی،
هراتی بر مرکزی از این زاویه ملت را پارچه پارچه
نمودند.

در مورد چهارم مسایل خانمان سوز خطر ناک
حزبی دخیل شدن و هر کدام به صد ها پارچه
تقسیم شدند که اگر زمانی بخواهند یکی از این
اختلافات را بر طرف نماید دهها و یا صدها تفرقه،
تعصب و مشکل باقی بماند که بصورت کل در این
آتش خود بخود و به دست خودشان از بین برود
و دیگر نیازی به این نباشد که متوصل به نیرو

در افغانستان هر روز از مبارزه علیه تبعیض نژادی
سخن به میان می آید، ولی با این آتش خانمان
سوز چرا مبارزه نمی شود فقط بروی تقویم ها
درج است.
این کشور از زمانی که دارای حدود جغرافیائی
مشخص گردید در زمان احمد شاه ابدالی مورد
تهاجم های کشور استکباری مانند بریتانیا، کبیر،
جماهیر شوروی بصورت مستقیم و پاکستان، ایران
و ایالات متحد آمریکا به صورت غیر مستقیم بوده
است که در هر زمانی این متجاوزان دست های
شان در امور این کشور دراز کرده اند و برای تمامی
اینها ثابت شده است تازمانی که اقوام ساکن
در افغانستان بصورت یک پارچه و واحد عمل
نمایند حکومت بر اینها کار محال است و بر این
زاویه سیاسی رو آوردند که در بین شان تخم نفاق
و تبعیض را پاشیدند که این تخم هرگز از بین نمی
رود و یا اگر هم از بین برود قرنها زمان را در بر می
گیرد با کمال تأسف که مردم افغانستان در جهل
زندگی می کنند که این خود بستر مناسب برای
رشد تخم تبعیض می باشد.

این ملت را به طریقه های مختلف از هم جدا کردن
مانند اختلافات مذهبی شیعه و سنی نمودن
و در بین شان فاصله ایجاد کردن تا حدی به کفر
بودن یکدیگر فتوا از بیرون مرزها برایشان داده

سرنوشت طالبان بعد از شروع کار دولت جدید چه خواهد شد؟



نمود و اینکه این گروه چطور بزودی توانست
در افغانستان به پیشرفت های چشمگیری
نایل شود واضح و مشخص است، با قوی
شدن و توانای های چشم گیر طالبان شبکه
القاعده وارد صحنه کارزار سیاسی افغانستان
شد و بایک حمله نمایشی از قبل طراحی شده راه
را برای حضور نیروهای آمریکائی در افغانستان
هموار نمود.

در این سیزده سال آمریکا هیچ وقت بصورت
قاطع و جدی با طالبان وارد نبرد نشده است
تا بهانه ای داشته باشد و حضور دایمی نظامی
خویش را مشروعیت بخشد.

مورد دوم: سرنوشت طالبان به نتیجه انتخابات
ریاست جمهوری رابطه مستقیم دارد که چه
کسی به این قدرت تکیه می زند، اگر کسی
باشد که برای منافع بیرونی منفعت داشته باشد
و به نحوی سرپا گوش به فرمان حلقه بیرون
از مرزهای این کشور باشد طالبان به نحوی
مهار و فعالیت های آنها کاهش می یابد.

اما اگر کسی باشد که استقلالیت داخلی افغانستان را ترجیح بدهد طالبان فعال
تر خواهد شد بصورت واضح طالبان منشاء بیرونی و خارجی دارد که این تبارضعف
و قدرت طالبان بستگی به امتیاز دریافتی حلقه بیرونی مشخص می شود
امتیاز بیشتر حملات کمتر، امتیاز کمتر حملات و شورش بیشتر.

سیدعلی رضاسادات

مورد اول: بعد از این که مجاهدین نیروهای شوروی سابق را با حمایت مالی
و تسلیحاتی آمریکا از افغانستان بیرون کردن بر سر گرفتن قدرت و کنترل کابل بین
شان جنگ های داخلی بروز کرد، آمریکائی ها صحنه را به دقت زیر نظر داشتن
که کدام گروه، قدرت سیاسی افغانستان را در دست می گیرد تا با حمایت از آن
حضور خود را در افغانستان داشته باشد اما اینک هیچ یک از این گروه ها می مخالف
به تنهای توان اداره کابل را نداشت و نمی توانست گروه های دیگر از سر راه بردارند.
آمریکائی ها گروه دیگری را در پاکستان به نام طالبان تشکیل دادند و وارد افغانستان

در این روزها که در تمام گوشه
و کنار کشور و خارج از کشور حدس
و گمانها پیرامون آینده افغانستان بعد
از انتخابات به گوش می رسد و در تمام
میزگردها با کارشناسان سیاسی داخلی
و خارجی بحث عمده مسئله افغانستان
بعد از انتخابات است و سوال دیگر این
است طالبان بعد از این سال چه خواهد
شد آیا این گروه بعد از این انتخابات
متلاشی و نابود خواهد شد، یا از مناطق
جنوب افغانستان پا فراتر گذاشته و به
صفحات مرکزی و شمالی کشور نفوذ
کرده با حملات خویش حکومت
افغانستان را به چالش کشیده و مانند
دهه هفتاد به قدرت باز خواهد گشت؟
اینها سوالاتی اند که ذهن مردم را به
خود مشغول کرده و روال زندگی
عادی مردم را مختل نموده است،
از همه مهمتر تاثیرات منفی را بالای

سطح اقتصادی کشور وارد و مردم و ملت را در بعدی از مجهولات و سردرگمی قرار
داده است، سرنوشت طالبان به دو مورد بصورت مستقیم بستگی دارد!

مورد اول: تثبیت پیمان استراتژیکی میان دولت افغانستان و آمریکا و حضور دایمی
نیروهای آمریکائی و ناتو در افغانستان و حمایت مالی و تجهیز سازی به تجهیزات
پیشرفته نظامی و نیروی هوای ارتش افغانستان.

مورد دوم: نتیجه انتخابات ریاست جمهوری کشور.

پیر دولت اسپ سوار، پیر ملت سنگ شکن

لزوم حکومت در جامعه



در ایام پیری هرانسان از لحاظ روحی و جسمی دچار ناتوانی می گردد و حتی قادر به انجام دادن کارهای از قبیل راه رفتن، غذا خوردن و کارهای ساده شخصی خویش باشد و دولت های ایشان در قبال این افراد مسولیت دارند که از این ها محافظت نماید دولت افغانستان به عنوان یک دولت مسولیت خود را در قبال مردمان پیر افغانستان نه

پیامبر اسلام(ص): اگر سه نفر باهم مسافرت می کنید، یک نفر تان را به عنوان رئیس و فرمانده انتخاب کنید. شما اگر یک روز همراه با دوستان خود به یک گردش دسته جمعی بروید، خواهید دید که اجرای این برنامه ساده و کوتاه مدت، بدون رعایت یک دسته ضوابط و مقررات، ممکن نخواهد بود. هدف گروه باید معلوم باشد و راه رسیدن به آن نیز مشخص شده باشد و همه افراد باید به طور هماهنگ با یک دیگر عمل کنند و از خود سری و تکروی بپرهیزند.

وقتی گردش ساده یک روزه جمع اندک شما، بدون مقررات و قوانین اجتماعی و بدون سرپرست و رهبر، نظم و سامان نداشته باشد، چگونه ممکن است جامعه با آن همه گسترش و پیچیدگی بتواند بدون قانون و رهبری، نظم و دوام و آرامش داشته باشد. پس از گفتار پیامبر اسلام (ص) که در فوق است! نتیجه می گیریم که جامعه محتاج حکومت است. که حکومت در جامعه سه وظیفه مشخص دارد که عبارت انداز:

اول: وضع قانون و مقررات برای اداره امور جامعه
دوم: تعیین کسانی که مسئول اجرای قوانین باشند.
سوم: نظارت بر اجرای قانون و جلوگیری از قانون شکنی که متاسفانه این دوتا گزینه اخیر در کشور ما کم رنگ است، در خیلی از ولایات و ولسوالی های کشور به خصوص در ولسوالی لعل و سر جنگل حکومت به سه دسته تقسیم میشود.
الف: استبداد فردی! که همه قدرت های بدست یک نفر است و ثروت جامعه نیز در دست اوست، او تصمیم میگیرد که داری کشور در کجا خرج شود، و اوست که رابطه کشور را با سایر کشور ها معین میکند.
ب: حکومت های گروهی! که به جای یک فرد یک گروه یا یک دسته از مردم بر جامعه حکومت می کنند.

ج: حکومت دموکراسی! که حکومت فردی و نیز حکومت منحصر به یک گروه خلاصه دوتا گزینه اول هم داده مورید انتقاد بوده است. یکی از راه های که برای نجات از حکومت استبدادی فردی یا گروهی پیشنهاد شده، همین انتخاب حکومت (دموکراسی) یا حکومت عامه مردم است. دموکراسی یعنی اینکه حکومت بر مردم حق هیچ فرد یا گروهی خاصی نیست، حکومت بر مردم حق عموم مردم است. اما چون حکومت همه بر همه عملاً امکان ندارد، مردم از طریق انتخابات ویا تکیه بر نظر ورای اکثریت بعضی از افراد شایسته و لایق که لیاقت اعتماد مردم را داشته باشند و لیاقت به عهده گرفتن مسولیت های اجرای جامعه و مشورت برای وضع قوانین را داشته باشند که او را انتخاب می کنند و حق خود را به بر گزیدگان خود وا گذار می کنند، که این افراد برای مدتی به نمایندگی مردم راه رسم و هدفهای جامعه معین می کنند و به وضع قوانین و اجرای آنها می پردازند.

برادران و خواهران اکنون ما در مقطع حساس تاریخی قرار داریم انتخابات سال ۱۳۹۳ سپری شد و انشاءالله انتخابات پارلمانی رادپیش روداریم. بیاید که ما و شما به گونه عمل کنیم که هویت و موجودیت خود را ثابت نماییم، ما و شما باید موتور محرک جامعه خویش باشیم تا در معادلات سیاسی بهترین منافع را مردم ما داشته باشد.
تذکر: برادران و خواهران جوان: مواظب باشید کسی از احساسات و عواطف شما سوء استفاده نکند و شما را به دنبال بدبختی ها و ذلالت در هیچ عرصه نبرد، مواظب باشید فریب هیچ فریبنده را نخورید چه در اجتماع چه در سیاست چه در انتخاب.

محمد حسین دانشمند

و این حکومت کاری نکرده است که نسل های کنونی بعد از سپری کردن جوانی در ایام پیری نانی برای خوردن داشته باشد و مجبوراند مانند پدران خویش در پیری با فقر و گرسنگی تا لبه کوره مبارزه نمایند. اکثر مردان و زنان پیرومسن که سرپرست و خانه ندارند در بدترین شرایط در شهرها دست به گدائی می زنند و شب ها در کنار سرک ها شب را صبح می نمایند آیا کرامت انسانی ایشان زیر سوال نیست تا زمانی که جوان بوده است به حیث نیروی کار و یا نیروی امنیتی به این کشور خدمت نموده است حال دولت حتی جای و نانی برای آنها در نظر ندارد ویا در حالت بد صحنی به سر می برد هیچ برنامه روی دست نیست.

خود باعث بروز حالات مرگ بار برای آنها می شود. ولی رئیس دولت با اینکه دوران جوانی را در خارج از کشور سپری نموده و هیچ مشکلی را در افغانستان متحمل نشده است همین مردان و زنان پیری که فعلاً برای لقمه نانی تا دم مرگ کار می کنند زمینه را برای حکومت حامد کرزی مساعد نمودن این ها در آن ایام جوان بودن و در مقابل هر نوع مشکلاتی که بر سر این کشور می آمدن می ایستادن. ولی با سقوط رژیم طالبان و آمدن نیروهای خارجی در افغانستان در ایام پیری حامد کرزی مرغ دولت پرید و بر سر ایشان نشست و حکومت سیزده ساله را آورد و بعد از این چه در داخل باشد چه در خارج از مورتسواری خسته شده اسپ سواری می کنند ولی پیر ملت از دست فقر و تنگ دستی سنگ می شکنند.

انتخابات از آغاز تا فرجام:

دارند، تنها در ریاست جمهوری نیست که باید بحث صورت گیرد در شوراهای ولایتی که بخش مهمی از این روند است، هم وکلای آمدند و دوره امتحانی خویش را سپری نمودن و با شعارهای جالب و جذاب و ظاهرهای آراسته ولی عمل کردهای منفی و با دنیای از پیرنگ و فریب مردم را قربانی منافع شخصی نمودن در حقیقت امر مردم این بار باید عاقلانه رای می دادند و سهم می گرفتن تا این بار فریب نمی خوردن و به کسانی که از دوره امتحانی موفق بیرون نشده بودن اعتماد نمی کردن و انتخابات قبلی را چه در ریاست جمهوری، چه در شوراهای ولایتی و شورای ملی از آغاز تا فرجام مروری نمودن و بررسی خود را از دوره گذشته می داشته تا این بار به سرنوشت دوره قبلی دچار نمی شدن ولی افسوس که در افغانستان قدری برای خادمین قائل نیست و مردم همیشه دنبال خائنین روان است.

سیدعلی رضاسادات

بعد از گذشت این دوره بازم انتخابات سال ۱۳۸۸ فرارسید که بازم میدان رقابت انتخاباتی گرم شد در این میان رمضان بشردوست که مانند گاندی در هند با فقیران زندگی می نمود به صحنه انتخاباتی پا گذاشت و در تمام افغانستان بدون هیچ محدودیتی حتی از سوی طالبان سفر کرده و به مبارزات انتخاباتی اش ادامه می دادند و از طرف مردم محروم و طبقه فقیر مورد استقبال قرار می گرفت مردمی که در ذهنش تعصب و تنفر وجود نداشت و تمام مردم افغانستان را به یک دیده می دید، یک تعداد از مزدوران و اجیران برای به دست آورد چند افغانی دست به تبلیغات علیه آن زدند و به تهمت شروع نمودن تا زمینه حضور و موقعیت را کم رنگ کنند که این کار هم کردن.

این حقایق در افغانستان نشان می دهد که خدمت گذار در نظام این کشور جای ندارد که در دوره های قبلی مشاهده نمودیم و این بار هم در این دوره کسانی خود را نامزد نموده اند و مردم افغانستان با آنها شناخت کامل

کشور افغانستان بعد از سپری کردن سال ها جنگ و در بگیری و با سقوط نظام طالبان صفحه دیگری به خود گرفت و در این کشور که سالیان سال دیکتاتوری سایه افکنده بود به ظاهر دیموکراسی روی کار آمد در پایان حکومت طالبان و حضور نیروهای بین المللی یک دولت موقت تشکیل شد که در اساس این دولت حامد کرزی تعیین گردید و این بر اساس انتصابی ساخته شده بود و در دوره بعدی که در سال ۱۳۸۳ انتخابات به اساس رقابت آزاد در بین تعدادی زیادی از نامزدان برگزار شد بازم آقای حامد کرزی به ریاست جمهوری افغانستان برگزیده شد و در یک دوره طولانی به کرسی ریاست جمهوری تکیه زد و در این دوره آنطوریکه باید در کشور کار می شد نشد شاید یک تعداد کارهای صورت گرفته باشد اما نظر به کمک های که در این راه مصرف شده هیچ قابل مقایسه نیست و در راستای کارهای زیربنای در ساختار افغانستان توجه نگردیده و پول ها در جاهای به مصرف رسیده که بنیادی نبوده بلکه مورد حیف و میل قرار گرفته است.

- ◆ مدیرمسؤل: سیدعلی رضا سادات ۰۷۹۷۷۹۴۲۴۶ S.R.S-SADAT-2012@yahoo.com
- ◆ معاون مدیرمسؤل: غلام حسین رسولی ۰۷۹۹۷۴۷۰۷۷ - ۰۷۷۰۶۰۳۰۴۷
- ◆ سردبیر: همایون تمیم فکرت زاده ۰۷۹۴۴۸۳۵۵۰ - ۰۷۷۵۵۶۵۹۹۲
- ◆ مسنؤل کادرفنی: حمیدالله رامش ۰۷۷۳۱۸۶۸۹۰
- ◆ هیئت تحریر: قربانعلی الفت، غلام علی رسولی، عنایت الله شفیق و محمدحسین سبحانی ۰۷۷۲۲۱۸۱۹۷
- ◆ ویراستار: محمدتقی حسین زاده
- ◆ ایمیل: elmamal.monthly@gmail.com
- ◆ آدرس: ولایت غور، ولسوالی لعل و سر جنگل - مرکز ولسوالی
- ◆ قیمت: (۵) افغانی
- ◆ نوت: ماهنامه هر نوع اعلانات تجاری و تبلیغاتی شمارا میپذیرد.

تماس با ما:

۰۷۷۲۲۱۸۱۹۷ - ۰۷۷۳۰۳۱۶۵۶

Elmamal.Monthly@gmail.com

صاحب امتیاز:

